

## ارزیابی دیدگاه والری هافمن و ویم راون درباره اقتباس رنج و نجات بخشی امام حسین (ع) از تقدیه عیسی (ع)

سید محمد علیاناسب<sup>۱</sup>، احمد سعدی<sup>۲</sup>، حسن رضایی هفتادار<sup>۳</sup>، سید محمد موسوی مقدم<sup>۴</sup>

### چکیده

یکی از مسائل مطرح درباره اصالت اعتقادات شیعه در آثار خاورشناسان، ادعای اقتباس رنج و نجات بخشی امام حسین (ع) در اعتقادات شیعه از تقدیه عیسی (ع) در مسیحیت است که والری هافمن و ویم راون در دائرة المعارف قرآن این ادعا را مطرح کرده‌اند. این مقاله به شیوه توصیفی، تحلیلی با بررسی دیدگاه مسیحیت و شیعه درباره رنج و نجات بخشی عیسی (ع) و امام حسین (ع) در صدد است دیدگاه این دو خاورشناس را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مفهوم رنج و نجات بخشی در مسیحیت و شیعه دارای تفاوت‌های بنیادین است. در نگرش مسیحیت، رنج حقیقی ناشی از گناه نخستین آدم و نجات حقیقی با قربانی شدن عیسی (ع) برای رستگاری انسان‌هاست؛ اما در نگرش شیعی، فطرت انسان، ذاتا پاکیزه و الهی و قیام امام حسین (ع) در جهت یادآوری این فطرت و تأکید بر ظلم‌ستیزی و مبارزه با حاکمان ظالم بوده و با دیدگاه مسیحیت درباره عیسی (ع) دارای اختلافات اساسی و جدی است که هرگونه ادعای اقتباس کلی و عدم اصالت اعتقادات شیعه را منتفی می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** امام حسین (ع)، کربلا، تشیع، تقدیه عیسی، والری هافمن، ویم راون.

۱. دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران: تهران ایران. (olyanasabm@ut.ac.ir).

۲. دانشیار گروه شیعه‌شناسی و مدرسی معارف دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران: تهران ایران. (نویسنده مسئول): (a.saadi@ut.ac.ir).

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران: تهران ایران. (hrezaii@ut.ac.ir).

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران: تهران ایران. (sm.mmoqaddam@ut.ac.ir).

## Review of Valerie Hoffman and Wim Raven's Viewpoint about the adaptation of Imam Hussein's suffering and salvation From Crucifixion of Jesus

### Abstract

One significant issue raised in Orientalist scholarship concerning the authenticity of Shia beliefs is the claim that the Shia concept of Imam Hussain's (AS) suffering and redemptive role was borrowed from the Christian doctrine of Jesus' (AS) sacrifice. Valérie Hoffman and Wim Raven advance this claim in the Encyclopedia of the Qur'ān. Employing a descriptive-analytical methodology, this article examines Christian and Shia perspectives on the suffering and redemptive roles of Jesus (AS) and Imam Hussain (AS), respectively, to critically analyze and evaluate Hoffman and Raven's thesis. The research findings demonstrate that the concepts of suffering and redemption in Christianity and Shiism are fundamentally divergent. Within the Christian framework, true suffering originates from Adam's Original Sin, and true redemption is achieved through Jesus' (AS) sacrificial death for humanity's salvation. Conversely, the Shia perspective posits that human nature (Fiṭrah) is inherently pure and divine. Imam Hussain's (AS) uprising served to awaken this primordial nature, emphasizing resistance against oppression and the struggle against tyrannical rulers. This constitutes a profound and essential divergence from the Christian understanding of Jesus (AS), thereby rendering untenable any claim of wholesale borrowing or questioning the authenticity of core Shia beliefs.

**Keywords:** Imam Hussain, Karbala, Shiite, Sacrifice of Jesus, Valerie Hoffman, Wim Raven.

## ۱. مقدمه

برخی از خاورشناسان، معتقدند قرآن و معارف دینی، مصادری غیروحیانی و غیر الهی داشته و از ادیان و سنت‌های پیش از اسلام، اقتباس شده و به همین جهت فاقد اصالت بنیادی است؛ (زمانی، ۱۳۸۶، ۵۱) سابقه طرح اقتباس قرآن از منابع غیروحیانی، به دوره حضور پیامبر (ص) بر می‌گردد که برخی مشرکان، قرآن را تعلیم بشر می‌دانستند. قرآن به صراحت این مسئله را بیان کرده و چنین استدلال می‌کند که کسانی که ادعا شده قرآن از آنان گرفته شده غیر عرب هستند و زبان قرآن عربی روشن و آشکار است. (نحل/۱۰۳) از این رو امکان ندارد چنین متنی که در اوج فصاحت و بلاغت عربی است، از افراد غیرعرب اخذ شده باشد. آیات ۴ و ۵ سوره فرقان نیز بنا بر نظر مفسران در ردّ اقتباس قرآن از یهود و مسیحیت نازل شده است. (طبری، ۱۴۲۰: ۲۴۱/۱۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۵/۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸۰/۱۵)

در دو سده اخیر و با گسترش چشمگیر مطالعات اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی درباره منبع قرآن و معارف اعتقادی مسلمانان از جمله اقتباس از عهدین و نبوغ پیامبر (ص) از سوی خاورشناسان مطرح شد. علاوه بر اینکه نظریه اقتباس اسلام از ادیان پیشین به خصوص یهودیت و مسیحیت مطرح شده، ادعای اقتباس تشیع از ادیان و آیین‌های پیشین نیز مسبوق به سابقه است.

آرتور دو گویننو<sup>۱</sup> عقاید قدیمی ایرانیان را درباره جنبه آسمانی و الهی داشتن سلاطین ساسانی، ریشه اصلی عقاید شیعه در باب امامت و عصمت و طهارت ائمه اطهار (ع) دانسته است. (دوگویننو، ۱۴۰۳: ۵۰) رینهارت دوزی نیز شیعه را یک فرقه ایرانی می‌داند و معتقد است در فرهنگ ایرانی این ویژگی وجود داشت که پادشاهان خود را سایه خدا می‌دانستند و در وجود آنها فره ایزدی را معتقد بودند و لذا همین عقیده بت پرستی را به اسلام انتقال داده و به علی (ع) و فرزندان او به همان بینش نگاه کرده و اطاعت مطلق از امامت تبلور یافته در علی (ع) و فرزندان او را

1. Joseph Arthur de Gobineau

واجب حتمی می‌دانستند. (دوزی، ۲۰۱۲: ۲۲۰) شهید مطهری در خدمات متقابل اسلام و ایران به طور مفصل درباره نظریه اقتباس تشیع از ایران باستان بحث کرده و نظریات برخی از مستشرقان از جمله دوزی و دوگوبینو را مطرح و آن را نقد کرده است. (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۱۴/۱۴)

ولهاوزن<sup>۱</sup> نیز با طرح حضور فرقه سبائیه (پیروان عبدالله بن سبأ) در دوره امام علی (ع) و امام حسن (ع) ریشه اعتقادات شیعه به خصوص مسئله جانشینی پیامبر (ص) و انتظار را یهودیت می‌شمارد. (ولهاوزن، ۱۳۷۵: ۱۷۱) جیمز دارمستتر<sup>۲</sup> همانند ولهاوزن، ریشه‌های تفکر شیعه را در اموری همچون رجعت و مهدویت برآمده از تفکر زرتشتیان می‌داند. (دارمستتر، ۱۳۱۷: ۶، ۱۷ و ۲۱) ایتان کلبرگ<sup>۳</sup> شیعه پژوه معروف یهودی، معتقد است خصوصیات فوق انسانی اهل بیت (ع) که در آثار شیعیان ذکر شده، پیشتر در نگرش اسماعیلیه، دروزیه، نصیرییه و پیشتر از آن در بین یهود و مسیحیت اعتقادات مشابهی وجود داشته و می‌توان ادعا کرد که این ایده از کتب مقدس مسیحیت وارد شیعه شده است. (Kohlberg, 1972: 128)

والری جی هافمن و ویم راون در دائرة المعارف قرآن (EQ) ادعا کرده‌اند شیعیان رنج و نجات بخشی امام حسین (ع) را از تفدیه عیسی مسیح (ع) اقتباس کرده‌اند و از این رو باور شیعیان، فاقد اصالت بنیادی است. درباره وجوه تشابه شخصیت امام حسین (ع) و عیسی (ع) آثار بسیاری نگاشته شده که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- آنتوان بارا، امام حسین در اندیشه مسیحیت، به ترجمه علی باقر طاهری نیا و فرامرز میرزایی، نشر دانشگاه بوعلی، ۱۳۸۱. این اثر وجوه اشتراک دو اندیشه اسلام و مسیحیت را در سیره عملی امام حسین (ع) و عیسی مسیح (ع) شناسایی کرده و نتیجه مشترک آن را حق و عقیده و پاسخ مثبت به ندای رسالت و مبارزه در راه آن با ایمان و فداکاری می‌داند.

- 
1. Julius Wellhausen
  2. James Darmesteter
  3. Etan Kohlberg

۲- یعقوب اصغری، مقایسه مصائب امام حسین (ع) و مصائب عیسی مسیح (ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران، ۱۳۹۲.

۳- فائزه هاشمیان، فدیة شدن امام حسین (ع) و حضرت عیسی (ع) از دیدگاه اسلام و مسیحیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۵.

۴- زهرا حسین زاده، مقایسه کارکردهای تصلیب عیسی مسیح (ع) از نظر مسیحیان و شهادت امام حسین (ع) از نظر شیعیان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶.

آثار فوق به بررسی و تحلیل برخی از وجوه اشتراک و افتراق نگرش شیعه و مسیحیت درباره امام حسین (ع) و عیسی (ع) پرداخته و در صدد تحلیل و ارزیابی ادعای اقتباس اعتقاد شیعیان از مسیحیت و بررسی دیدگاه هافمن و راون نبوده‌اند و از این رو پژوهش در موضوع حاضر، مسبوق به سابقه نیست. نظر به ضرورت بحث از اصالت اعتقادات شیعه امامیه و واکاوی و نقد نظرات خاورشناسان در این موضوع، مقاله حاضر در صدد است به شیوه توصیفی-تحلیلی اقتباس جایگاه امام حسین (ع) از عیسی (ع) در مسیحیت را بطا تحلیل باور مسیحیان به رنج و نجات بخشی عیسی (ع) و نگاه شیعیان به رنج و نجات بخشی امام حسین (ع) مورد تحلیل قرار دهد. از این جهت ضروری است برای نقد ادعای اقتباس این دو خاورشناس، با مراجعه به انجیل و همچنین منابع متقدم شیعه، تشابه و افتراق محتوایی و مضمونی تقدیه عیسی (ع) با شهادت امام حسین (ع) را مورد بررسی دهد.

والری جی هافمن استاد ادیان دانشگاه ایلینویز آمریکاست و سال‌ها عضو هیأت تحریریه دو مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه و مطالعات آمریکایی ادیان بوده است. او کتابی با عنوان تصوف و عرفان در مصر معاصر نگاشته که انتشارات دانشگاه کارولینای جنوبی آن را در سال ۱۹۹۵ منتشر ساخت. در سال ۲۰۱۲ نیز اثری با عنوان مبانی اسلام اباضیه توسط دانشگاه سیراکیوز منتشر کرده است. سه مدخل دائرة المعارف قرآن (EQ) با عنوان‌های

اعیاد و بزرگداشت‌ها، مهمان‌نوازی و ادب‌ورزی<sup>۲</sup> و تعامل<sup>۳</sup> توسط وی نگاشته شده است. هافمن در مدخل اعیاد و بزرگداشت‌ها، نگاه شیعیان به شهادت امام حسین (ع) را اقتباس از تفدیه عیسی (ع) در مسیحیت می‌داند. (Hoffman, 2002: 2/208) همین مطلب در مدخل دیگری توسط ویم راون<sup>۴</sup> تکرار می‌شود. (Raven, 2003: 3/281) وی پژوهشگر هلندی و استاد دانشگاه فرانکفورت است که سه مدخل پاداش و جزا،<sup>۵</sup> شهیدان<sup>۶</sup> و سیره و قرآن<sup>۷</sup> را در دائرة المعارف قرآن تدوین کرده است. وی در مدخل شهداء با تکرار ادعای هافمن، بر اقتباس نجات بخشی امام حسین (ع) از تفدیه عیسی (ع) در مسیحیت تأکید دارد.

هافمن و راون معتقدند شیعیان جایگاه امام حسین (ع) و نقش او در نجات و رستگاری را از آموزه تفدیه عیسی (ع) در مسیحیت اقتباس کرده‌اند. هافمن در مدخل اعیاد و بزرگداشت‌ها در دائرة المعارف قرآن می‌نویسد:

«در میان همه مراسم مسلمانان، تنها مراسمی که از همه مستقیم‌تر جنبه یادبودی و بزرگداشتی دارد، یادمان شیعیان اثناعشری برای شهادت حسین (ع)، نوه پیامبر (ص)، در کربلا در دهم ماه محرم، یعنی مراسم عاشورا است. شهادت حسین (ع) نه تنها کشته شدن یا قربانی شدن جانگداز اعضای پاک خاندان نبوت تلقی می‌شود؛ بلکه در عین حال، برای کسانی که حسین (ع) را دوست دارند، بر شهادت او می‌گیرند و عزاداری می‌کنند و می‌خواهند که در مصائب او و خاندانش شریک باشند، جنبه آمرزش و رستگاری نیز دارد. درست به همان سان که مسیح خود را در قربانگاه صلیب قربانی کرد تا بشریت را نجات

- 
1. Festivals and Commemorative Days
  2. Hospitality and Courtesy
  3. Intercession
  4. Wim Raven
  5. Reward and Punishment
  6. martyrs
  7. Sīra and the Qur'ān

بخشد، حسین نیز خود را در دشت کربلا به کشتن داد تا جامعه مسلمانان را از لوٹ گناه پاک سازد.<sup>۱</sup> (Hoffman, 2002: 2/208)

ویم راون نیز در مدخل شهیدان به این اقتباس اینگونه تأکید دارد: «شیعیان همانند مسیحیان بر این باورند که در کارزارهای دنیایی پیروزی معنوی اهمیت دارد. آنها همچنین به ویژگی نجات بخشی شهادت حسین تأکید دارند در حالی که در نگرش اهل سنت شفاعت شهیدان نقشی فرعی دارد.»<sup>۲</sup> (Raven, 2003: 3/281)

درباره اشتراک و تشابه برخی از معارف اسلامی و شیعی به عهدین، خود قرآن و مسلمانان نیز معترف هستند که قرآن و کتب آسمانی دیگر، با هم شباهت دارند. در این باره در قرآن آمده: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى» (شوری/۱۳) خداوند از دین، آنچه را که به نوح سفارش کرد و آنچه به توحی کردیم و آنچه که به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم، برایتان تشریح کرد.

طبق معنای این آیه، آنچه خداوند به نوح (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع) و عیسی (ع) توصیه کرده، برای مسلمانان نیز تشریح شده است. مضمون این آیه، منشأ واحد ادیان الهی را خداوند می‌داند؛ همان خدایی که شریعت انبیای الهی پیشین را فرستاده، شریعت پیامبر (ص) نیز از جانب او فرستاده شده و از این نگاه، تشابه بین معارف قرآنی با عهدین، دلیلی بر یگانگی منشأ این دو کتاب آسمانی بوده و بحث اقتباس از اساس منتفی است؛ زیرا در

1. "Of all the Muslim festivals, the one that appears most directly commemorative is the Twelver Shī'ī commemoration of the death of the Prophet's grandson Husayn at Karbalā on the tenth day of the Islamic month of Muharram, the feast of Āshūrā. Husayn's death is not only perceived as a martyrdom or as a tragic victimization of the righteous members of the Prophet's family, it is also seen as having a redemptive effect for those who love Husayn, grieve over his death, and are willing to share in the suffering of him and his family. Just as Christ sacrificed himself on the altar of the cross to redeem humanity, so did Husayn allow himself to be killed on the plains of Karbalā to purify the Muslim community of sins"

2. "For Shī'ites, as for Christians, it is the spiritual victory in the face of a worldly defeat that matters. Moreover, they often emphasize the redemptive character of Husayn's martyrdom, whereas the intercession of Sunnī martyrs plays but a marginal role."

قرآن و آموزه‌های اسلامی، انبیا و ادیان الهی پیشین تصدیق شده و آموزه‌های اصیل آن، الهی و وحیانی شمرده شده‌اند و با توجه به اینکه همه ادیان الهی در اصول بنیادین آن همچون توحید، نبوت، معاد و تکیه بر فطرت، انصاف، اخلاق و همه فضایل اخلاقی تأکید داشته‌اند، از این جهت تشابه قرآن و معارف اسلامی به آموزه‌های ادیان پیشین، دلیلی بر الهی و وحیانی بودن آن بوده و از این جهت، بحث اقتباس از اساس منتفی است.

برخی از پژوهشگران مسلمان، اقتباس را اینگونه معنا کرده‌اند که در اقتباس، متن دوم، منبعی جز متن اول نداشته و کاملاً اسیر متن اول است؛ ولی اگر متن دوم، صحیح‌تر از متن اول بوده و اشکالات آن را برطرف کند، اقتباس واقع نشده است. از این رو قرآن کریم که دارای معارف بسیار والایی است که نه در کتب قبل از آن آمده و نه از ذهن بشری برمی‌آید، از عهدین اقتباس نکرده است. (مطعنی، ۱۹۹۲: ۲۴۰/۱)

به طور کلی توجه به دو جنبه در تشابه معارف اعتقادی شیعه با عهدین ضروری است:

نخست؛ تشیع همچون سایر فرق اسلامی، آیین یهود و مسیحیت، پیامبران آن و الهی بودن اصل تورات و انجیل را تصدیق می‌کند. شیعیان، دین اسلام را تکمیل ادیان و شرایع حقه سابق از جمله یهود و مسیحیت می‌دانند و از این جهت وجود مفاهیم و معارف اعتقادی متشابه با عهدین، نه به عنوان اقتباس بلکه به عنوان نشانه‌ای از یگانگی منشأ و حقیقی بودن آنهاست. از این جهت که منشأ تورات و انجیل و قرآن، خداوند یکتاست که به توحید و معاد و اصول فطری و اخلاقی که ضامن سعادت دنیوی و اخروی انسان است دعوت می‌کند و این اصول اعتقادی و اخلاقی به مناسبت و فراخور اقتضائات و ظرفیت‌های مردمان و زمانه آنها تشریح و توسط انبیا و کتب آسمانی ابلاغ شده است.

دوم؛ برخی دیگر از عوامل تشابه معارف اعتقادی شیعه با عهدین، به تشابه الگوهای اخلاقی و فضایل معنوی و روحانی در ارتباط است. به این معنا که در متن هر دو آیین، فضایل اخلاقی مطرح و شخصیت‌هایی در سایه دارا بودن این ویژگی‌ها همچون عصمت، طهارت، علم، معرفت،

صداقت، ایثار و... به عنوان افراد کلیدی آن آیین درآمده‌اند. از این رو بدیهی است اصول اخلاقی که همه انسان‌ها ادراک کرده و علی‌رغم اختلافات در تعریف و محدوده آن، به عنوان یک اصل اخلاقی یا فضیلت اخلاقی مورد پذیرش همه هستند، در تشیع و عهدین موارد مشابهی از دستورات، قوانین و الگوهای اخلاقی وجود داشته باشد. در نتیجه اینکه مریم (س) و عیسی (ع) به دلیل عصمت، طهارت و برخورداری از همه فضایل اخلاقی و معنوی، دارای جایگاه بی‌بدیلی در مسیحیت هستند، به این معنا نیست که در آیین‌های پس از آن، الگوهایی به دلیل دارا بودن فضایل اخلاقی و معنوی مشابه، حضور نداشته نباشند و در آن آیین، مورد تکریم و احترام نباشند. از این جهت حق‌طلبی، ایثار، طهارت و عصمتی که مسیحیت درباره عیسی (ع) باور دارند، برای شیعیان در وجود امام حسین (ع) تجلی یافته و نباید از این تشابه، تلقی اقتباس کرد.

علاوه بر دلایل وجود تشابه معارف اعتقادی شیعه با عهدین که به اموری غیر از اقتباس ارتباط دارد، می‌توان از جهت مفهومی نیز با تحلیل معارف اعتقادی شیعه در قرآن و شناسایی افتراقات بنیادین آن با اعتقادات یهود و مسیح، به عدم اقتباس این معارف از عهدین حکم کرد. از این رو با واکاوی رنج و نجات بخشی در مسیحیت و شیعه و نگاه مسیحیت به عیسی (ع) و شیعیان به امام حسین (ع) به وجوه اصلی اختلاف و تفاوت بنیادی آن پرداخته و از این رهگذر، دیدگاه مستشرقان درباره اقتباس این معارف، نقد خواهد شد.

## ۲. آموزه رنج و نجات بخشی در مسیحیت

در دیدگاه مسیحیت با پذیرش گناهکاری بشر، رنج مسیح و به صلیب کشیده شدن او با گناه انسان مرتبط بوده و آن را به عنوان کفاره‌ای برای نجات بشر از رنج و گناه تفسیر کرده‌اند. سرآغاز رنج بشر در کتاب مقدس داستان آدم و حوا و خوردن میوه ممنوعه است که به اخراج آنها از بهشت منجر می‌شود. خداوند به سبب نافرمانی آدم، بشر را به رنج دچار می‌کند:

«عدالت چنین جاری می‌شود و (آن را) در میان تو و زن (تو) و در میان ذریه وی می‌گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه‌ی وی را خواهی کوبید و به زن گفت درد و حمل تو را بسیار

افزون گردانم و با درد، فرزندان خواهی زائید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد و به آدم گفت چون که سخن زوجه‌ات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده و گفتم از آن نخور، پس به سبب تو، زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خار و خس نیز برای تو خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد و به عرق پیشانی‌ات، خواهی خورد تا این که به خاک برگردی که از آن گرفته شدی؛ زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت.» (سفر پیدایش، ۳: ۱۵-۱۹)

این تعبیر، رنج را قرین انسان و بر اساس آن، رنج بخشی از ویژگی‌های وجودی انسان می‌گردد و تا انسان هست رنج خواهد کشید. علاوه بر تأثیر گناه اولیه در رنج بشر، در کتاب مقدس به تأثیر گناه فردی در رنج انسان نیز اشاره شده است. (جامعه سلیمان، ۷: ۶؛ ارمیاء، ۵: ۱۵-۱۷) همچنین تأثیر گناه، بر رنج و عقوبت جمعی چنان پررنگ‌تر مطرح شده که ابراهیم (ع) و موسی (ع) از خداوند می‌خواهند که همه را به آتش گناه عذاب نکنند. (سفر پیدایش، ۱۸: ۲۰-۲۳؛ تثنیه، ۴: ۹)

رنج در مسیحیت، عامل برخورداری دنیوی و اخروی است. از این جهت عیسی (ع) به کسانی که خانه و خانواده و اولاد و املاک را برای خدا ترک کنند، وعده می‌دهد که به خاطر این زحمات و رنج‌ها، در این دنیا صد چندان از خانه‌ها و برادران و فرزندان و املاک خواهند داشت و در آینده، حیات جاودانی خواهند یافت. (مرقس، ۳: ۱۰-۲۹؛ لوقا، ۱۸: ۲۹-۳۰) از این رو خود مسیح نیز طالب خوشی نبود و ملامت ملامتگران بر او عارض می‌شد. (رومیان، ۱۵: ۱-۳)

پولس رسول، رابطه تسلای درونی و رنج را اینگونه شرح می‌دهد:

«مبارک باد خدا و پدر خداوند ما، عیسی مسیح که پدر رحمت‌ها و خدای جمیع تسلیات است و ما را در هر تنگنایی، تسلی می‌دهد تا بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشند، تسلا نماییم به آن تسلائی که خود از خدا یافته‌ایم؛ زیرا به اندازه‌ایی که دردهای مسیح در ما زیاد شود، به همان اندازه تسلای ما نیز به وسیله ی مسیح افزایش می‌یابد. ... می‌دانیم چنان که شما شریک دردها هستید، همچنین شریک تسلی نیز خواهید بود.» (دوم قرینتیان، ۱: ۳-۶)

از سوی دیگر رنج در کتاب مقدس، ابزار ابتلاء و امتحان انسان نیز معرفی شده است. چنانکه دلیل رنج بنی اسرائیل و آوارگی چهل ساله آنها در بیابان، آزمون الهی توصیف می‌شود. (تثنیه، ۸: ۴) همچنین رنج انسان با نجات و حضور او در ملکوت نیز در ارتباط است. هم از جهت ایجاد استحقاق و افزایش استحقاق انسان برای ورود به ملکوت الهی (متی، ۵: ۳ و ۱۰) و هم از جهت توبه و نجات از امور دنیوی و اجر و پاداش رنج در حیات اخروی. (دوم قرن‌تیان، ۷: ۹-۱۱)

در نتیجه سرآغاز رنج بشر از دیدگاه مسیحیت، گناه آدم (ع) و حوا و خروج انسان از ملکوت است و این رنج، چنان با وجود انسان آمیخته شده که تا انسان هست، این رنج را به دوش می‌کشد. از عوامل دیگر رنج انسان، گناه و نافرمانی خداست که به شکل فردی یا جمعی منجر به شکل‌گیری رنج برای انسان می‌شود. اصل وجود رنج در انسان، زمینه حضور او در ملکوت و نجات دنیوی و پاداش اخروی را برای او به همراه دارد.

### ۳. آموزه رنج و نجات بخشی در تشیع

رنج و مشقت در آیات و روایات شیعه از مفاهیم پرکاربرد است. از نگاه قرآن، انسان در رنج و مشقت آفریده شده (بلد/۴)<sup>۱</sup> و مفسران مراد از رنج، در آیه را رنج‌های طبیعی انسان در زندگی دنیوی دانسته‌اند. (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۵۱/۱۰) به جز این معنا از رنج، مصیبت‌ها و رویدادهای ناگواری که به انسان می‌رسد، در نتیجه اعمال خود انسان است. (نساء/۷۹)<sup>۲</sup> یا اینکه عقوبت اعمال زشت انسان، دچار شدن به رنج و درد است. (اعراف/۱۳۰)<sup>۳</sup> از سوی دیگر، انسان با مشکلات و رنج‌ها آزمایش می‌شود (بقره/۱۵۵)<sup>۴</sup> و کسانی که در برابر رنج‌ها ایمان خود را حفظ

۱. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ».

۲. «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ».

۳. «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ».

۴. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِبَشَىٍّ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ».

کرده و صبر پیشه کنند، از سعادت دنیوی و اخروی برخوردار خواهند بود. (بقره/۱۵۶-۱۵۷)<sup>۱</sup> در قرآن، مسیر رنج و مشقت انسان در نهایت به حضور در محضر الهی و محاسبه اعمال او ختم می‌شود. (انشقاق/۶-۸)<sup>۲</sup>

آموزه رنج، در تشیع با دو مفهوم انتظار و قیام همراه است. از سویی شیعیان از آن جهت که منتظر ظهور امام غائب (عج) هستند، رنج و مشقت زمانه و ظلم ظالمان را به امید ظهور حضرت و تحقق عدالت و رفع این رنج تحمل می‌کنند. از سوی دیگر برخلاف نگرش صوفیانه و زاهدانه که صرف تحمل رنج را سعادت و نجات می‌پندارد، شیعیان با تبدیل رنج به انگیزه حرکت، اقدام عملی به سوی اصلاح و قیام علیه ظلم ظالمان را با تأسی از امامان خود پیگیری می‌کنند.

از این رو رنج‌های اهل بیت و حضرت زهرا (س) در سنت شیعیان، به تحمل سختی‌ها و ناملازمات کافران و مشرکان در دوره حضور پیامبر (ص) و سپس رنج مشاهده غصب خلافت علی (ع) و دور شدن جامعه اسلامی از آموزه‌های قرآن و پیامبر (ص) پس از رحلتشان بود. شهادت حضرت زهرا (س) و امیرمؤمنان (ع) و شهادت امامان معصوم (ع) به خصوص شهادت امام حسین (ع) و واقعه کربلا در میان شیعیان به عنوان عظیم‌ترین و عالی‌ترین حرکت انسانی در جهت رشد و کمال بشریت و فداکردن وجود پاکشان در راه حق و حقیقت شناخته می‌شود که این حرکت هم از بعد انسانی و اخلاقی، هم دینی و مذهبی و هم از جهت اجتماعی و سیاسی واقعه‌ای اثرگذار در فرهنگ و معارف شیعی بوده است.

#### ۴. رنج و نجات بخشی عیسی (ع) در مسیحیت

نجات انسان در مسیحیت، مبتنی بر تصلیب و مرگ مسیح (ع) است. از مرگ مسیح بر تصلیب، در مسیحیت تفسیرهای متعددی شده است. پولس از او به عنوان قربانی یاد

۱. «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» \* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ».

۲. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ \* فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ \* فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا».

می‌کند. رساله او به رومیان، نشان‌دهنده این است که وی مرگ مسیح را به عنوان یک قربانی در پیشگاه خدا می‌دانست. (رومیان، ۳: ۵۲) تا پیش از عصر روشنگری نیز برخی مسیحیان، مرگ مسیح (ع) را به عنوان پیروزی قطعی بر شیطان و بهای رهایی انسان از نیروهای شرارت که انسان را در چنگال خود دارند، تفسیر می‌کردند. در تفسیری دیگر، مرگ عیسی (ع) به عنوان نمونه‌ای اخلاقی محسوب می‌شود که خدا از طریق او محبت خود را نسبت به بشر آشکار ساخت. (مک‌گراث، ۱۳۸۵: ۴۳۲-۴۵۱)

مسیحیت، معضل و رنج بشر را گناه اولیه خوردن میوه ممنوعه توسط آدم و حوا می‌داند. در نگرش مسیحیت، انسان نخست در کمال راستی و درستی و شبیه خدا آفریده شد (پیدایش، ۱: ۲۶-۲۷) و در بهشت عدن قرار گرفت. (همان، ۲: ۸-۱۰) اما سپس با نافرمانی خدا و خوردن میوه ممنوعه، به گناه آلوده شده و به زمین سقوط کرد و از مقام تقدس و پاکی هبوط کرد. نتیجه دیگر گناه نخستین<sup>۱</sup> این بود که بر همه مردم، مرگ مقدر شد. (رومیان، ۵: ۱۲)

طبق باور مسیحیان، گناه اولیه باعث شد ما انسان‌ها که در شهوت‌های پست غرق شده‌ایم، از نیکی و صلاح متنفر شویم، به شرارت‌ها میل یابیم و نتوانیم هیچ عمل صالحی را انجام داده یا درباره آن فکر کنیم. (دانستن، ۱۳۸۱: ۱۲۴)

آگوستین معتقد است گناه اولیه موجب شد تا اراده انسان‌ها در ارتکاب بدی آزاد باشد؛ اما در انجام کارهای خوب، آزادی نداشته باشد. از نگاه او ما به تنهایی نمی‌توانیم به سوی خدا بازگردیم و تنها چاره کار، فیض و لطف خداست که در مسیح ظهور کرده است. (یاسپرس، ۱۳۶۳: ۸۷-۹۱)

از این رو، مسیح نیز به نقش خود در نجات بشر آگاهی داشت. برای مسیح در آخرین سفر خود به اورشلیم، این امر به نوعی قطعی شده بود که هرگز خود را از دست دشمنان نخواهد توانست نجات دهد. اگرچه عیسی مسیح، رنج و مرگ را دوست نداشت؛ ولی به جهت تعهد به رسالتی که پذیرفته بود، با کمال آزادی آن را به جان خرید و تحمل کرد و به همین علت

متعهد شد که کلمه خدا را بدون هرگونه ظاهرسازی یا شانه خالی کردن و یا سازش‌کاری اعلام کند. طبق نقل انجیل‌ها، پیلاطس حاکم رومی، راه خلاصی از این مخمصه را به او نشان داد که از مواضع خود دست بردارد و یا آن را تعدیل نماید و در این صورت، حتماً آزاد خواهد شد. مسیح (ع) این مطلب را نپذیرفت، نه از آن جهت که وی در پی مرگ بود؛ بلکه به جهت تعهدی که نسبت به رسالت خود داشت و چون این مأموریت را خدا به وی محول کرده بود. (مایکل، ۱۳۸۱: ۸۱-۸۵)

در اندیشه مسیحیت، انسان به دلیل آلودگی به گناه، فقط با دخالت مستقیم خدا می‌توانست امکان نجات و رهایی یابد: «خداوند برای نجات انسانی که در اسارت و قید گناه است، خود قیام کرد. یگانه فرزند که هم ذات او و کلمه ازلیه است را در شکل بشری خالی از گناه و پاک در میان انسان‌ها آشکار ساخت و او را فدای آنها کرد. پس بدون اینکه خداوند خود مستقیم دخالت کند و پسرش را فدا کند، امکان ندارد بشر به نجات و رهایی برسد.» (اعمال رسولان، ۴: ۲۱)

از این جهت مسیح، واسطه ذات خداوند و انسان آلوده شد و از مسیح به عنوان واسطه یا میانجی یاد شده است (عبرانیان، ۹: ۱۵؛ اول تیموتائوس، ۲: ۵) و حضور خدا در مسیح، به جهت وساطت کردن میان ذات باری تعالی و انسان سقوط کرده بود. (مک گراث، ۱۳۸۵: ۳۸۰)

اعتقاد مسیحیت درباره فدیة چنین است که انسان در نجات خود فاقد نقش است و ابتکار عمل به دست خداست. به همین دلیل، مسیح با تحمل و رنج و از طریق رنج، اطاعت را تعلیم نمود. (عبرانیان، ۱۸: ۲؛ ۹: ۸؛ ۵) او به وسیله رنج، کامل و روح حیات بخش گردید. برای اینکه گناهکاران را رهایی بخشد، بسیار رنج کشید، در عین اینکه قدوس و معصوم بود. قلبش در محبت به خدا کامل بود و با محبت عمل می‌کرد؛ اما از مردم رنج کشید، مسیح برای انسان‌ها رنج کشید. (اول پطرس، ۲۲: ۲۱) در واقع در رنج‌های ما، مسیح شریک شد و در پیروزی او ما سهیم شدیم و هیچ فیضی وجود نمی‌داشت اگر او حقیقتاً رنج نمی‌کشید. (بتنسون، بی‌تا: ۸۹-۹۰)

آموزه رنج در نظر کیرکگور<sup>۱</sup> نیز چنان اهمیت دارد که در گستره دینی، رنج را نشان مسیحیت حقیقی، تعلیم دهنده و راه تعالی آدمی می‌داند. در نظر او، نزدیک بودن کمال به میزان رنج بزرگتر بستگی دارد. چنین رنجی یکباره به وجود نمی‌آید؛ بلکه متوقف بر تلاش و سعی مداوم از طرف خود فرد است. زبان گویای نسبت هر فرد با خداوند برای فرد مذهبی، مقدار رنج اوست. هرچه رنج عمیق‌تر باشد، رابطه فرد با خداوند نیز بیشتر می‌شود. (کیرکگور، ۱۳۷۸: ۱۵۴)

بنابراین آموزه رنج، محور الهیات مسیحی و مرتبط با اصل خلقت انسان و نافرمانی اولیه اوست. این رنج که نتیجه دوری از خداست، جز با ظهور مسیح و تصلیب او به پایان نمی‌رسید و عیسی (ع) با فداکردن خود، انسان را از قید و بند گناه نجات داد.

## ۵. رنج و نجات بخشی امام حسین (ع) از دیدگاه شیعه

خودداری امام حسین (ع) از بیعت یزید و شهادت حضرت در کربلا، از مهم‌ترین حوادث صدر اسلام و برای شیعیان، واقعه عاشورا و مجاهدت حضرت، الگوی عملی در مواجهه با ظلم و جور حاکمان است. طبق دیدگاه پژوهشگران، عامل اصلی قیام حضرت، انحراف جامعه اسلامی از باورهای دینی و اخلاقی بود. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۲-۱۲۳) از این رو هدف اصلی امام حسین (ع) از قیام عاشورا احقاق حق، امر به معروف و نهی از منکر، احیای سنت و از بین بردن بدعت بود. (اسفندیاری، ۱۳۸۷: ۳۳)

به باور سید مرتضی، امام حسین (ع) پس از اصرار مردم کوفه و مشاهده توانایی آنان و ضعف حکومت کوفه دعوت آنها را پذیرفت. وی معتقد است اسباب پیروزی امام حسین (ع) فراهم بود؛ اما حوادث بعدی، ماجرا را خلاف آنچه انتظار می‌رفت، رقم زد. هنگامی که عهدشکنی کوفیان آشکار شد، امام حسین (ع) تصمیم به بازگشت و متارکه درگیری گرفت؛ همان‌گونه که امام حسن (ع) چنین کرد. اما متارکه جنگ از او پذیرفته نشد. (سیدمرتضی، بی تا: ۱۷۶-۱۷۸) ابوالفرج اصفهانی نقل می‌کند که حضرت، عمر سعد را مخیر می‌کند که یکی از این سه را انتخاب کند: ترک بیعت یزید، بازگشت به

مکه یا رفتن و اقامت در مرزهای سرزمین اسلامی (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۱۴)

روایات به جا مانده از حضرت، دلایل مختلفی برای قیام امام حسین (ع) ذکر کرده‌اند. خود حضرت، وجود حاکمانی همچون یزید را نابودی اسلام می‌دانست (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۷/۵) و در نامه‌ای به جمعی از بزرگان بصره، هدف از قیام بر ضد حکومت یزید را احیای سنت پیامبر (ص) بیان می‌فرماید. (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۱۰۷) حضرت در مسیر کربلا، حاکمان شام را مفسدانی معرفی می‌کند که حدود الهی را باطل کرده و اموال فقیران و مسکینان را غصب می‌کنند. (همان: ۱۷۲) امام (ع) در نامه‌ای به بزرگان کوفه فرمود:

«فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ، مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ... نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْحَلَهُ. (طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۳/۵) می‌دانید که پیامبر خدا (ص) در زمان حیاتش فرمود: هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده و پیمان خدا را شکسته، با سنت پیامبر (ص) مخالفت ورزیده و در میان بندگان خدا به ظلم و ستم رفتار کرده، ولی با او به مبارزه عملی و گفتاری برنخیزد، بر خداوند ثابت است که او را به جایگاه آن سلطان ستمگر (جهنم) وارد کند.»

در برخی روایات منسوب به حضرت، ایشان خود را سزاوارتر به ولایت مؤمنان دانسته‌اند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۷۸/۵) <sup>۴</sup> از این جهت، برخی پژوهشگران هدف اصلی از قیام ایشان را تشکیل

۱. «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ بُلِّغَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ.»

۲. «وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيتَتْ.»

۳. «يَا فِرْزْدُقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَتَرَكَوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ، وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ، وَأَبْطَلُوا الْحُدُودَ، وَشَرَّبُوا الْحُمُورَ، وَاسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَ أَنَا أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ، وَإِعْزَازِ شَرْعِهِ، وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَا. امام حسین (ع) در خطاب به لشکر حرّ، می‌فرماید: «الْأَتْرُونَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَإِلَى الْبَاطِلِ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَنْزَعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقًّا حَقًّا» آیا نمی‌بینید که به حق عمل نشده و از باطل جلوگیری نمی‌شود. (در چنین شرایطی) بر مؤمن لازم است که به دیدار پروردگارش راغب باشد. طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۳/۵.

۴. «أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا ابْنُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ نَحْنُ أَوْلَى بِوَلَايَةِ هَذِهِ الْأُمُورِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُتَدَعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ»

حکومت دانسته‌اند (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۱۶۰) یا هدف ایشان را بازگرداندن جامعه اسلامی به مسیر صحیح خود و مبارزه با انحرافات دانسته‌اند که نتیجه این قیام، تشکیل حکومت یا شهادت بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۱۴۷) البته امام حسین (ع) هرگونه تلاش برای به دست آوردن قدرت یا ثروت را مذموم دانسته و آن را انکار می‌کند و هدف خود را اصلاح سنت و برپایی احکام اسلامی می‌داند. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۳۹)<sup>۱</sup>

از این رو اقتباس شهادت امام حسین (ع) از تفدیه مسیح، در حالی مطرح شده که به تفاوت‌های اساسی این دو آموزه در شیعه و مسیحیت توجه نشده است. مسیحیت، رنج را در فطرت انسان و گناه نخستین آدم (ع) می‌داند که با تفدیه عیسی مسیح (ع)، بشریت از رنج و گناه نجات یافته است؛ اما شیعیان، فطرت انسان را الهی و پاک و رنج و مشقت انسان را در مسیر رشد و کمال او لازمه حضور او در این دنیا و تحمل این رنج و مشقت را موجب رستگاری و علو درجه انسان می‌داند که انبیا و اولیای الهی و امامان معصوم کامل‌ترین مصداق تحمل رنج و از این جهت لایق مرتبه شفاعت هستند. از سوی دیگر اصل تفدیه عیسی (ع) در دیدگاه شیعیان منتفی بوده و در نگاه شیعیان، اولیای الهی و امام حسین (ع) در مبارزه علیه ظلم و ستم زمانه، قیام کرده و حرکت آنها علاوه بر جنبه فردی، دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی پرننگی است. در نتیجه و با توجه به تفاوت‌های بنیادین در نگاه مسیحیت و شیعه، ادعای اقتباس کلی و عدم اصالت اعتقادات شیعه که توسط والری هافمن و ویم راون مطرح شده، فاقد دلیل است.

## نتیجه‌گیری

با تحلیل مفهوم رنج و نجات بخشی در مسیحیت و شیعه و تفاوت نگرش مسیحیت به عیسی مسیح (ع) و نگاه شیعیان به امام حسین (ع) تفاوت‌های بنیادینی در نگاه مسیحیت و شیعه دیده می‌شود که هرگونه ادعای اقتباس کلی و عدم اصالت اعتقادات شیعه امامیه

۱. «اللهم إِنَّكَ تَعْلَمُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسُّسَ مِنْ فُضُولِ الحُطَامِ، وَ لَكِنْ لِيَتَرَى المَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَ يُظَهِّرَ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمَنَ المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ يَعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَّتِكَ وَ أَحْكَامِكَ»

را منتفی می‌سازد. این موارد عبارتند از:

- ۱- اعتقاد به نجات به سبب تقدیه مسیح، از اصول و پایه ایمان مسیحی است؛ ولی در تشیع نجات، از اصول اساسی اعتقادی نیست و نجات انسان در تشیع، معطوف به شهادت امامان (ع) تعریف نشده؛ بلکه در تشیع، ایمان و تعبد به خدا، بصیرت و ولایت‌پذیری نسبت به امام (ع) و اطاعت از امام (ع) در همه جنبه‌های زندگی شرائط نجات انسان‌ها مطرح شده‌اند.
- ۲- در مسیحیت از آنجا که نجات، برنامه و طرح خداوند است و توسط خود خداوند اجرا شده، انسان در نجات خود نقش چندانی ندارد و صرفاً تسلیم اراده خدا و پذیرنده آن است؛ اما در اسلام و تشیع، ایمان از طرف و اختیار خود انسان شکل می‌گیرد و در ادامه با خواست و اراده الهی، انسان به واسطه اولیای الهی از تاریکی نجات و رهایی می‌یابد و نقش خود انسان در هدایت و نجات، نقشی فعال است.
- ۳- در تعالیم مسیحی، نقش اوامر شریعت و اعمال شرعی در نجات انسان، از عوامل مهم و تأثیرگذار نیست؛ در حالیکه در قرآن و روایات اسلامی، مهم‌ترین عامل نجات انسان پس از ایمان، عمل صالح و اطاعت مسلمان به اوامر شرعی است.
- ۴- فطرت انسان، در قرآن و روایات شیعه، فطرتی الهی است که روح الهی در آن دمیده شده و برخلاف اندیشه مسیحیت، فطرت انسان ذاتاً آلوده به گناه نیست. در مسیحیت گناه آدم (ع)، به انسان‌ها انتقال یافته و همه انسان‌ها مبتلای به گناه اولیه هستند که مسیح (ع) با قربانی کردن خود و صلیب شدن، کفاره این گناه را پرداخت کرده است؛ اما از نظر شیعه، انسان ذاتاً گناهکار و دارای سرشت ناپاک نیست تا نیازی به کفاره دادن و تطهیر فطرت انسان باشد؛ بلکه انسان دارای فطرتی پاک و خداجو است که اولیای الهی با یادآوری این فطرت الهی، انسان را هدایت می‌کنند.
- ۵- امام حسین (ع) بر علیه ظلم حاکم اسلامی جنگید و قیام با سیف کرد و این قیام، منشأ قیام‌ها و نهضت‌های متعدد اسلامی در سده‌های بعدی شد؛ اما مسیحیت از تقدیه عیسی، تنها آموزه درونی و معنوی نجات را اخذ کرده و نشانه‌ای از اینکه مسیحیت از تقدیه عیسی (ع)، قیام علیه ظلم حاکمان را برداشت کنند وجود ندارد.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

کتاب مقدس، ترجمه هزاره نو.

۱. ابن اعثم، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). الفتوح. بیروت: دار الأضواء.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: نشر جامعه مدرسین.
۳. ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ق). وقعة الطّف. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۶ق). مقاتل الطالبیین. قم: نشر الشریف الرضی.
۵. اسفندیاری، محمد (۱۳۸۷). عاشورا شناسی: پژوهشی درباره هدف امام حسین (ع). تهران: نشرنی.
۶. بتسون، هنری (بی تا). منتخبی از نوشته های پدران اولیه کلیسا. نسخه الکترونیکی منتشر شده در سایت ایران کاتولیک به آدرس: [http://iran catholic.com/?page\\_id=2213](http://iran catholic.com/?page_id=2213)
۷. خامنه ای، علی (۱۳۹۴). انسان ۲۵۰ ساله. تهران: مرکز صهبا.
۸. دار مستتر، جیمز (۱۳۱۷). مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم. ترجمه محسن جهانسوز. تهران: کتابفروشی ادب.
۹. دانستن، لسلی جی (۱۳۸۱). آیین پروتستان. ترجمه عبدالرحیم سلیمانی. قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۱۰. دو گوپینو، آرتور (۱۴۰۳/۹/۲۴). مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی. ترجمه علی محمد فرهوشی. نسخه الکترونیکی.
۱۱. دوزی، رینهرت (۲۰۱۲م). ملوک الطوائف و نظرات فی تاریخ الإسلام. ترجمه کامل کیلانی. قاهره: مؤسسه هنداوی.
۱۲. زمانی، محمد حسن (۱۳۸۶). شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان. قم: بوستان کتاب.
۱۳. سید مرتضی، علی بن حسین (بی تا). تنزیه الانبیاء. قم: منشورات الشریف الرضی.

۱۴. شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۰). پس از پنجاه سال: پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین (ع). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). شهید جاوید. تهران: انتشارات امید فردا.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۷. طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن (۱۴۲۰) به تحقیق أحمد محمد شاکر الناشر: مؤسسة الرسالة
۱۸. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الرسل و الملوک. بیروت: دارالتراث.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. کیرکگور، سورن (۱۳۷۸). ترس و لرز: ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
۲۲. مایکل، توماس (۱۳۸۱). کلام مسیحی. ترجمه حسین توفیقی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲۳. مطعنی، عبدالعظیم (۱۹۹۲م). الإسلام فی مواجهة الإستشراق العالمی. منصوره مصر: دارالوفاء.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. مک‌گراث، ایستر (۱۳۸۵). درآمدی بر الاهیات مسیحی. ترجمه مسیح دیباج. تهران: نشر کتاب روشن. منتشر شده در کتابخانه دیجیتال نور به آدرس: <https://noorlib.ir/book/info/105240>
۲۶. ولهاوزن، یولیوس (۱۳۷۵). تاریخ سیاسی صدر اسلام (شیعه و خوارج). ترجمه محمودرضا افتخارزاده. قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
۲۷. یاسپرس، کارل (۱۳۶۳). آگوستین. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

of Qur'an, Edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill. Vol.2, pp 203-208.

29. Kohlberg, Etan (1972). "Some Nots on the Imamite Attitude to the Qur'an", Islamic Philosophy and the Classical Tradition. Columbia: University of South Carolina Press. pp. 209-240.

30. Raven, Wim (2003). "Martyrs", Encyclopaedia of Quran, Edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill. Vol 3, pp 281-287.

